

# ظرفیت اعمال خشونت گروه‌های سیاسی عراق و راهکارهای کنترل آن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۹

احمد زارعان\*

## چکیده

عراق پس‌اصدام از مشکلات و مسائل امنیتی متعددی رنج می‌برد. این مشکلات، عراق را وارد بحران‌های ادواری نموده و ضمن افزایش شدید هزینه‌های انسانی، مادی و معنوی، مانع از قرارگرفتن این کشور در مسیر توسعه شده است. بر اساس نظریه «داگلاس نورث»، وجود مراکز متعدد قدرت در یک کشور و رقابت آنها بر سر دستیابی به منافع یا حداکثری کردن منافع و ظرفیت اعمال خشونت آنها علیه یکدیگر، در روند توسعه اختلال ایجاد می‌کند. با بهره‌گیری از نظریه نورث، سؤال اصلی مقاله عبارت است از: «جریان‌های سیاسی عراقی به لحاظ اعمال خشونت دارای چه ظرفیتی هستند و راهکارهای کنترل خشونت در عراق کدامند؟» این مقاله برای پاسخ به سؤال تحقیق، از منابع کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری داده‌ها و از روش توصیفی-تحلیلی برای تحلیل یافته‌ها بهره گرفته است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد «ظرفیت اعمال خشونت جریان‌ها و گروه‌های عراقی علیه یکدیگر» در فرایند «توزیع منافع» بالا بوده و مهمترین راهکار کنترل این ظرفیت که یکی از موانع اصلی توسعه به شمار می‌رود، عامل «داور» است. عامل «داور» می‌تواند با نظارت بر روند توزیع رانت (منافع)، تضمین‌کننده روند باثبات توسعه در دوران گذار و فراهم‌کننده شرایط برای قرارگرفتن عراق در آستانه تحول به سمت یک کشور توسعه‌یافته بر اساس تعریف بومی از توسعه باشد.

**واژگان کلیدی:** عراق، خشونت، داور، توسعه، داگلاس نورث.

\* عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

## مقدمه

پس از سقوط صدام و فروپاشی رژیم بعث عراق در سال ۲۰۰۳، نظم سیاسی و ترتیبات و مناسبات قدرت در این کشور دچار تغییر بنیادین شد. در حالی که پیش از ۲۰۰۳ به دلیل ساختار سیاسی به شدت متمرکز، قدرت در حزب بعث و در شخص رئیس‌جمهور متمرکز شده بود و حزب بعث به رهبری صدام، به تنهایی مقدرات عراق را تعیین می‌کرد اما پس از ۲۰۰۳، بر اساس بافتار موزائیکی جامعه عراق، قدرت بین گروه‌های قومی- مذهبی توزیع شد و ساختار سیاسی جدید عراق بر اساس نوع ویژه‌ای از دموکراسی که به آن، دموکراسی توافقی، سهمیه‌ای یا انجمنی می‌گویند شکل گرفت. استقرار دموکراسی در عراق از یک‌سو به دلیل به رسمیت شناخته شدن خواست و اراده گروه‌های سیاسی- اجتماعی در تعیین سرنوشت خود اتفاق مبارکی تعبیر می‌شود، اما از سوی دیگر، به دلیل ورود عراق به چرخه‌ای از بی‌ثباتی‌ها و بحران‌ها و شکل‌گیری دولت درمانده<sup>۱</sup>، حرکت این کشور در مسیر توسعه متوقف شده است.

بررسی روند تحولات عراق در دوران پساصدام نشان می‌دهد این کشور از بی‌ثباتی ناشی از اعمال خشونت گروه‌های سیاسی علیه یکدیگر به شدت رنج می‌برد. هر یک از مکونات سه‌گانه عراق (کردسنی، عرب شیعه و عرب سنی) و گروه‌های سیاسی که ذیل این مکونات اصلی تعریف می‌شوند برای دستیابی به منافع یا حداکثری کردن منافع، از ظرفیت‌هایی که در اختیار دارند برای اعمال خشونت علیه رقبا استفاده می‌کنند. اغلب بحران‌های امنیتی عراق را می‌توان نتیجه اعمال خشونت گروه‌های سیاسی علیه یکدیگر در نظر گرفت. در این مقاله بدون آن که با رویکرد تقلیل‌گرایانه، وضعیت کنونی عراق نتیجه یک عامل یا یک متغیر در نظر گرفته شود با استفاده از نظریه «داگلاس نورث»<sup>۲</sup> (۲۰۱۵-۱۹۲۰)، عامل «کنترل ظرفیت خشونت جریان‌های سیاسی در توزیع منافع» به عنوان شرط لازم برای توسعه عراق مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بر این اساس، سؤال اصلی مقاله عبارت است از: «جریان‌های سیاسی عراقی به لحاظ اعمال خشونت دارای چه ظرفیتی هستند و راهکارهای کنترل خشونت در عراق کدامند؟». این مقاله برای پاسخ به سؤال

1. failed state

2. Douglass C. North (برنده جایز نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۳)

تحقیق، از منابع کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری داده‌ها و از روش توصیفی - تحلیلی برای تحلیل یافته‌ها بهره گرفته است.

## الف) چارچوب نظری

### ۱. انواع نظام‌های سیاسی و ویژگی‌های آنها

بر اساس نظریه «داگلاس نورث» کشورهای مختلف جهان بر اساس نوع عملکردشان در «کنترل ظرفیت اعمال خشونت موجود در گروه‌های قدرت» به دو دسته اصلی نظام‌های «دسترسی محدود»<sup>۱</sup> یا «دسترسی باز»<sup>۲</sup> تقسیم می‌شوند. «یک دولت طبیعی [دسترسی محدود]<sup>۳</sup> توسط یک ائتلاف مسلط اداره می‌شود؛ مردم خارج از این ائتلاف تنها دسترسی محدودی به سازمان‌ها، مزیت‌ها و منابع ارزشمند و فعالیت‌ها دارند» (North, 2009: 56). در کشورهای دارای نظام دسترسی محدود، افراد یا گروه‌ها برای کسب رانت یا منافع اقدام به اعمال خشونت یا تهدید به استفاده از خشونت می‌کنند. این در حالی است که برای حرکت در مسیر توسعه، مهار خشونت (به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی توسعه سیاسی) امری ضروری است. بنابراین، «بنیان نظام‌های دسترسی محدود، یافتن راه‌حل برای مهار خشونت است و بی‌توجهی به این موضوع منجر به شکست تلاش‌های اصلاح‌گرانه و عقب‌گرد خواهد شد» (North, 2007: 41). مهار خشونت نیز نه از طریق حذف نهادهای موجود یا کپی‌برداری از نهادهای کشورهای دارای نظام دسترسی باز (یعنی همان چیزی که در بسیاری از نظریات مربوط به توسعه مانند «نظریه نوسازی» مورد توجه قرار می‌گیرد)، بلکه از طریق اجماع نخبگانی حاصل می‌شود؛ یعنی نخبگان به این جمع‌بندی برسند که عدم

1. Limited Access Order

2. Open Access Order

۳. عنوان دیگری که داگلاس نورث برای نظام‌های دسترسی محدود استفاده می‌کند «نظام‌های طبیعی» است. طبیعی بودن از نظر نورث بدین معناست که در تاریخ طبیعی بشر همواره نظام دسترسی محدود حاکم بوده و عموم کشورها در درون همین طیف حرکت می‌کرده‌اند. «حکومت طبیعی تاریخ بشر را دگرگون کرد؛ بی‌شک حکومت‌های طبیعی اولیه، فناوری‌های جدیدی را بسط دادند که سرآغاز تاریخ ثبت‌شده بشر بوده است. امروزه بیشتر مردم جهان هنوز در حکومت‌های طبیعی زندگی می‌کنند» (نورث، ۱۳۹۶: ۳۲).

۴. منظور از منافع یا رانت، ماحصل یک اقدام در سطح ملی است. در اینجا، رانت کسب ثروت و منافع مولد تعریف شده است و معنای عرفی و منفی آن که غیرمولد و مخرب است، مطمئن نظر نیست.

استفاده از خشونت و همکاری با دیگر صاحبان قدرت، نفع حداکثری آنها را به دنبال دارد. لذا در گام اول در مسیر توسعه، لزوماً نیازی به حذف قدرت و ظرفیت اعمال خشونت نهادهای رقیب نیست. این توصیه ناشی از تأکید بر این پیش فرض است که بین ثبات سیاسی و رشد و توسعه رابطه مستقیمی وجود دارد. بر این اساس در نظام‌های دسترسی محدود، هرگونه تلاش برای اصلاحات یا حتی مبارزه با فساد (یا همان رانت‌های غیرمولد) باید به گونه‌ای باشد که مانع بروز خشونت و بی‌ثباتی و برهم‌زدن «ائتلاف نخبگان پیرامون رانت‌های مشترک» شود. به عبارت دیگر، تولید رانت اگر بتواند ثبات ایجاد کند خود می‌تواند علت توسعه باشد.

بر اساس نظریه داگلاس نورث، توزیع رانت یا عدم توزیع آن (انحصار رانت)، نقش کلیدی در روند توسعه کشورها دارد. تجربه کشورهای مختلف نشان داده است اعطای برخی امتیازات ارزشمند می‌تواند انگیزه‌های همکاری در ائتلاف مسلط نخبگان را فراهم سازد. امتیازاتی مانند حقوق اختصاصی برای تجارت، انحصار در یک ماده معدنی (مانند منافع ۰ درصدی مس برای ارتش شیلی)، ارتباطات، حق داشتن بازار در یک منطقه مشخص یا انحصار در واردات اقلامی خاص، در موارد متعدد در کشورهای مختلف وجود داشته است.

نظام‌های دسترسی محدود، در یک طیف شامل سه وضعیت «شککننده»، «پایه» و «بالغ» قرار دارند. در واقع کشورهایی که در این طیف قرار می‌گیرند، از نظر ماهیت (نظام دسترسی محدود) با یکدیگر متفاوت نیستند بلکه تنها در میزان دسترسی‌ها و توافق در کنترل خشونت در کسب رانت با یکدیگر متفاوتند. در درون این طیف می‌توان انواع حکومت‌های نظامی (کره جنوبی و شیلی)، دولت تک‌حزبی (بنگلادش)، حزب حاکم واحد (مکزیک و هند) و دموکراسی انتخاباتی دو یا چندحزبی (فیلیپین) را مشاهده کرد.

نظام‌های دسترسی محدود، لزوماً بر روی این طیف حرکت خطی و رو به جلو ندارند و چه بسا در درون طیف، رفت‌وبرگشت صورت بگیرد. همچنین این نظام‌ها ممکن است به صورت همزمان، شاخص‌های مختلفی از نظام‌های درون طیف دسترسی محدود (شککننده، پایه یا بالغ) را داشته باشند. تنها پس از تحولات عصر صنعتی شدن بوده است که نوع جدیدی از نظام‌ها به نام نظام دسترسی باز ایجاد شده‌اند که دیگر آنها را ذاتاً نمی‌توان در زمره نظام‌های دسترسی محدود دانست.

گذار از طیف طبیعی (دسترسی محدود) و گذار از «پیچ تاریخی» یا «بزنگاه حیاتی»<sup>۱</sup> منجر به پدیدآمدن نوع دیگری از نظام سیاسی می‌شود که نورث آن را «نظام دسترسی باز» می‌نامد. تجربه بشری نشان داده کشوری که بتواند از این «بزنگاه حیاتی» عبور کند، دیگر به وضعیت قبل بازمی‌گردد. بر اساس نظر نورث، سه شرط اساسی عبور از «نظام طبیعی با دسترسی محدود» به «نظام دسترسی باز» عبارت است از «حاکمیت قانون بر فرادستان»، «وجود سازمان‌هایی با عمر دائمی» و «کنترل سیاسی یکپارچه بر نظامیان». معمولاً شرط اول، بر دو شرط دیگر مقدم است و البته هر سه شرط به نوعی یکدیگر را تقویت می‌کنند. «هر دوی نظام‌های دسترسی محدود و باز دارای سازمان‌های خصوصی و عمومی هستند، اما دولت‌های طبیعی، دسترسی به این سازمان‌ها را محدود می‌کنند، در حالی که نظام‌های باز این کار را نمی‌کنند» (North, 2009: 56).

جدول شماره ۱: ویژگی نظام‌های سیاسی دسترسی محدود (طبیعی) و دسترسی باز (نورث، ۱۳۹۵)

ویژگی‌ها	انواع نظام‌ها
<ul style="list-style-type: none"> <li>- سازمان‌ها به اشخاص وابسته‌اند و عمر آنها کوتاه است.</li> <li>- انحصار خشونت در دست دولت نیست.</li> <li>- انسجام ائتلاف مسلط از سوی منافع فردی و هویت‌های شخصی تهدید می‌شود.</li> </ul>	شکستنده
<ul style="list-style-type: none"> <li>- دولت به عنوان مهم‌ترین سازمان با دوام استقرار یافته است.</li> <li>- نخبگان قدرت با دولت و ائتلاف مسلط ارتباط تنگاتنگی دارند.</li> <li>- سازمان‌های خصوصی خارج از ائتلاف مسلط، ائتلاف را تهدید می‌کنند.</li> <li>- ظرفیت خشونت در سازمان‌های دولتی از سازمان‌های غیردولتی بیشتر است.</li> </ul>	پایه
<ul style="list-style-type: none"> <li>- ائتلاف مسلط حاکم از سازمان‌های داخل و تا حدی خارج از دولت حمایت می‌کند.</li> <li>- ساختارهای نهادی دولت پایداری و قانون مکتوب یا غیرمکتوب با ضمانت اجرایی وجود دارد.</li> <li>- سازمان‌های نخبگان قدرت و نهادهای عمومی مثل بانک مرکزی و دادگاه‌ها مستقلند.</li> <li>- بیشتر نهادهای عمومی درمقابل تغییر و تحولات دوام می‌یابند.</li> <li>- دولت بر اکثر نهادهای دارای ظرفیت خشونت کنترل دارد، البته استثنائاتی هم وجود دارد.</li> </ul>	بالغ
<ul style="list-style-type: none"> <li>- اکثر سازمان‌های اقتصادی خصوصی‌اند.</li> <li>- قوانین، تبعیض‌آمیز نیستند.</li> <li>- دولت غیرنظامی، کنترل همه سازمان‌های سیاسی دارای ظرفیت خشونت را در اختیار دارد.</li> </ul>	نظام‌های دسترسی باز

نورث معتقد است تلاش نظام‌های سیاسی دسترسی محدود برای کپی‌برداری از نهادهای جامعه باز (مانند حقوق مالکیت، ورود به بازارها، انتخابات یا نهادهای حکمرانی خوب) با هدف رسیدن به بزنگاه تاریخی یا آستانه تغییر ماهیت، به علت بی‌توجهی به منطق نظام‌های دسترسی محدود و تلاش آنها برای تغییر هویت یک نظام بدون توجه به زمینه‌ها و ضرورت‌ها، راه به جایی نخواهند برد و حتی ممکن است موجب استفاده بیشتر از خشونت در چنین جوامعی شود (North, 2007: 5).<sup>۱</sup> البته این سخن به معنای انکار قطعی سودمندی نهادهای همنام با نظام‌های دسترسی باز نیست زیرا همانطور که نورث در مورد انتخابات در نظام‌های دسترسی محدود می‌گوید: «انتخابات تا حدی نه به معنای دمکراتیک آن بلکه بدین معناست که مشتری‌های دریافت امتیاز و خدمات، آرای خود را وجه‌المعامله قرار می‌دهند. لذا انتخابات در بهترین حالت تبدیل می‌شود به وسیله ایجاد ثبات از طریق ارزیابی قدرت نسبی گروه‌های ناهمگون و تعدیل مصالحه‌آمیز قدرت در میان دارندگان ظرفیت اعمال خشونت. لذا این انتخابات‌ها نه به معنای دمکراسی از نوع نظام‌های باز، بلکه عامل تداوم نظام‌های دسترسی محدود هستند» (نورث، ۱۳۹۵: ۵۱۲).

نورث، شاخص‌های ارتقای وضعیت یک کشور در نظام دسترسی محدود برای نزدیک شدن به آستانه تغییر هویت به سمت نظام‌های دسترسی باز را در چند سطح شناسایی کرده است:

- در سطح مردم: کاهش خشونت، قابل پیش‌بینی‌تر شدن اعمال قانون، افزایش درآمد، سلامت بهتر، برابری بیشتر و مشارکت سیاسی گسترده‌تر؟
- در سطح سازمان‌ها: افزایش ماندگاری سازمان‌ها و توانایی فعالیت آنهایی که خارج از حلقه ائتلاف هستند؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

---

۱. این رویکرد را به اشکال مختلف در نظریات اندیشمندان دیگر نیز می‌توان بازشناسی کرد. تمامی دیدگاه‌هایی که استدلال می‌کنند در روند توسعه باید حدی از دولت مقتدر و محدودیت دموکراسی را پذیرفت به نوعی در همین متن (Context) بحث کرده‌اند.

۲. منظور از مشارکت سیاسی، نوع واقعی آن در تمامی جنبه‌های سیاسی و نه فقط حضور هیستریک در ایام انتخابات است. این مشارکت باید در فعالیت‌های حزبی و عضویت در احزاب واقعی نمود داشته باشد که در عراق باید به نبود آن اعتراف کرد و با مشارکت سیاسی را در جلوه‌های دیگری جستجو نمود.

- در سطح نخبگان: حاکمیت بی طرفانه قانون و شخصی نبودن روابط و تعامل یکسان با جمعیت فرادستان.

اما نکته مهمی که در مورد آن نورث هم‌زمان هم سؤال می‌پرسد و هم جواب می‌دهد، این است که «تحت چه شرایطی همکاری داوطلبانه [میان نخبگان عضو ائتلاف مسلط] بدون دخالت [یا بدون وجود] دولت هابزی برای اجبار به همکاری پدید می‌آید؟... [جواب:] مشکل است که بتوان معاملات پیچیده را بدون یک عنصر ثالث برای تضمین توافقات، تداوم و تحکیم بخشید» (North, 2004: 14).

## ۲. نقش عنصر داور در ارتقای نظام‌های سیاسی

در این مقاله آنچه مورد تأکید خاص قرار می‌گیرد، نقش عنصر ثالث یا عامل خارجی در روند ارتقای نظام‌های دسترسی محدود بر اساس همکاری و صلح اعضای ائتلاف مسلط در تقسیم رانت است. از نظر نورث حدوداً ۵۰ سال طول می‌کشد تا یک کشور از طیف نظام‌های با دسترسی محدود وارد نظام‌های دسترسی باز شود و آنچه در این دوره می‌تواند به عنوان یک عامل پیشران، نقش سلبی یا ایجابی داشته باشد عنصر خارجی یا ثالث است. این عنصر که وظیفه داوری بین نیروهای سیاسی را برعهده دارد، در کشورهای مختلف متفاوت بوده است.

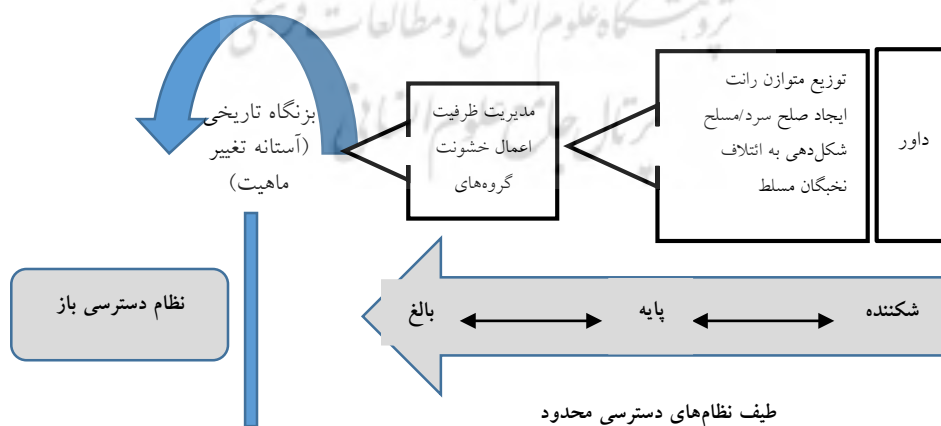
در کره جنوبی، آمریکا چنین نقشی را ایفا نموده و توانسته است در کنترل ظرفیت اعمال خشونت گروه‌های رقیب مداخله مؤثر داشته باشد. برای نمونه در جریان جنبش‌های اجتماعی سال ۱۹۸۷، زمانی که تعداد زیادی از شهروندان به خیابان آمده بودند، آمریکا مانع به‌کارگیری نیروی نظامی توسط دولت «چون دوهوان»<sup>۱</sup> علیه مردم شد.<sup>۲</sup> همچنین از آنجا که حضور آمریکا در کره جنوبی تهدیدات امنیتی علیه این کشور را کاهش داده است، موضوع تأمین امنیت نمی‌تواند بهانه‌ای در دست دولت برای توجیه اقتدارگرایی قرار گیرد. در افغانستان نیز ایالات متحده آمریکا، انگلستان و سازمان ملل، نقش داور را در حل و فصل اختلافات داخلی این کشور ایفا می‌کردند. به عنوان

1. Chun Doo-hwan

۲. البته این موضوع می‌توانست دلایل دیگری نیز به صورت توأمان داشته باشد مثل جلوگیری از نفرت مردم کره جنوبی از آمریکا که قاعدتاً نمی‌تواند منافی تبعات دیگر آن باشد.

نمونه، در پی برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۱۹ افغانستان و در حالی که عبدالله عبدالله، رقیب خود اشرف غنی را به تقلب در انتخابات متهم کرده بود و حاضر به پذیرش نتیجه انتخابات نبود و هر یک از آنها زمان مشخصی را برای برگزاری مراسم تحلیف تعیین کرده بودند، در نهایت این اختلاف با میانجی‌گری عناصر داور حل‌وفصل شد (The United States Institute of Peace, 2020). مذاکرات دولت افغانستان با طالبان که با میانجی‌گری ایالات متحده برگزار شد نیز یکی دیگر از مصادیق ایفای نقش دآوری توسط ایالات متحده برای حل‌وفصل اختلافات طرف‌های افغانستانی است (Doucet, 2021).

اگرچه تعیین جایگاه عراق در طیف نظام‌های سیاسی دسترسی محدود (طبیعی) و تشخیص «شکننده بودن»، «پایه‌بودن» یا «بالغ‌بودن» آن نیاز به پژوهشی مجزا دارد اما با قطعیت می‌توان گفت دولت عراق در زمره نظام‌های سیاسی دسترسی محدود (طبیعی) قرار دارد و با آسیب‌ها و چالش‌های این گونه از نظام‌های سیاسی مواجه است. بر این اساس و براساس مبانی نظری تحقیق می‌توان فرضیه ذیل را به عنوان پاسخی موقتی به سؤال تحقیق ارائه کرد تا در ادامه این فرضیه مورد بررسی قرار گیرد: «به نظر می‌رسد یکی از مهمترین چالش‌های پیش‌روی نظام سیاسی عراق، ظرفیت بالای اعمال خشونت گروه‌های سیاسی است. داور یا داورهای مورد اجماع گروه‌ها و جریان‌های سیاسی عراقی می‌توانند با توزیع متوازن رانت، خشونت موجود را مدیریت نموده، ضامن حفظ صلح سرد یا صلح مسلح بوده و یک ائتلاف مسلط از نخبگان عراقی را ایجاد کنند و این کشور را به سمت بزنگاه حیاتی و ورود به جرگه نظام‌های سیاسی با دسترسی باز سوق دهند».





## ب) پیشینه تحقیق

تا کنون پژوهشی درباره علل شیوع خشونت، بی‌ثباتی یا توسعه‌نیافتگی در عراق با استفاده از رهیافت داگلاس نورث با تأکید بر عنصر داور انجام نشده است و این مقاله از این جهت نوآورانه محسوب می‌شود. از معدود پژوهش‌هایی که به زبان فارسی منتشر شده و در آن به نقش عنصر داور اشاره مختصری شده است، کتاب «رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران» نوشته غلامرضا خواجه‌سروی است. وی در این کتاب توضیح می‌دهد که وقتی سخن از رقابت سیاسی می‌شود، قاعدتاً باید عناصر این رقابت مورد توجه قرار گیرد. یکی از عناصر مهم در مسابقه، داور است و اوست که آغاز و پایان مسابقه را اعلام می‌کند و از همه مهم‌تر بر رعایت قواعد بازی نظارت جدی می‌کند و نظر او فصل‌الخطاب است. «وجود یا عدم وجود داور در رقابت سیاسی یک کشور نیز از جمله شاخص‌هایی است که می‌توان به اتکای آن میزان مطلوبیت یک رقابت سیاسی را مورد سنجش قرار داد و تأثیر آن را بر ثبات سیاسی سنجید و مشاهده نمود که رقابت سیاسی منظور نظر موجه بوده است یا اینکه به دلیل عدم وجود داور در آن، حالت خودتخریبی یافته است. خود تخریبی به آن دلیل که یکی از نتایج وضعی نبود داور یا عدم توجه و التفات بازیگران به داور و عدم تبعیت از فرامین وی رقابت سیاسی را از چارچوب خارج ساخته، به بنیادهای نظام سیاسی تسری می‌دهد و در نهایت نقض غرض در نظام سیاسی صورت می‌گیرد...» (خواجه‌سروی: ۱۳۸۲: ۱۱۷-۱۱۶). وی در اثر خود بر ضرورت قبول داور و فصل‌الخطاب بودن نظر وی در زمان اختلاف‌ها از سوی طرف‌های رقیب تأکید ویژه‌ای کرده است. پذیرش نقش و نظر داور، از وقوع نزاع‌های سیاسی عمیق جلوگیری و نوعی همکاری رقابت‌آمیز را تضمین می‌کند. قاعدتاً در انتخاب داور باید تمام ویژگی‌های داور مدنظر باشد که مهمترین آنها می‌تواند بی‌طرفی داور و بی‌طرفی دستگاه کارشناسی و قوه عاقله نهاد منتسب به آن در جریان رقابت‌های سیاسی باشد.

«اسکات هندلر»<sup>۱</sup> نیز در کتاب «گرگ‌ها در لباس میش؛ فهم دولت‌سازی مدرن»<sup>۲</sup> چند فرض را متأثر از دیدگاه نورث در مورد نقش داور یا عنصر ثالث مطرح می‌کند:

1. Scott Paul Handler
2. Wolves in sheep's clothing: Understanding Modern State Building

- در کشورهایی که در آنها رقابت منازعه‌آمیز وجود دارد، استراتژی نخبه‌محور می‌تواند موفقیت بیشتری در تأمین ثبات به نسبت استراتژی‌های مردم‌محور داشته باشد؛
- بازیگران خارجی می‌توانند در برقرارکردن ثبات در کشورهای دسترسی محدود نخبه‌محور، موفق‌تر از تشویق به دموکراسی یا دیگر ملزومات نظام‌های دسترسی باز عمل کنند؛
- بازیگران خارجی باید به بازیگران داخل بازی کمک کنند تا آنها بتوانند بر مشکلات خود برای تضمین ائتلاف نخبگان کمک کنند؛
- با تمرکززدایی از خشونت، گروه‌های رقیب بتوانند در مقابل دیگران به نحوی از خود مراقبت کنند که نیازی به تهدید یکدیگر به استفاده از زور و خشونت وجود نداشته باشد (Handler, 2010).

در اینجا عنصر ثالث یا بازیگر خارجی می‌تواند شامل کشور، سازمان یا هر فرد یا نهاد دیگری در داخل یا خارج از نظام سیاسی باشد که این نقش را ایفا کند. برخی از اندیشمندان داخلی نیز در آرا و نظریات خود از جهاتی رویکرد کلی داگلاس نورث در مورد «توزیع منافع»<sup>۱</sup> را مورد اشاره قرار داده‌اند. مثلاً محمد رضایی در کتاب خود با عنوان «شکاف‌های جامعه ایرانی» می‌گوید: «باید توسعه سیاسی را فرایندی مبتنی بر چانه‌زنی درک کنیم تا حذف گروه‌ها و شکاف‌های اجتماعی. منظور این است که کشور، متشکل از گروه‌ها و نمایندگان فکری مختلفی است که فرایند توسعه ضرورتاً باید ناظر بر منافع همه آنها باشد» (رضایی، ۱۳۹۴: ۳۲۲).

۱. در موضوع توزیع منافع یکی از مباحثی که مطرح می‌شود این است که آیا باید این توزیع در قالب «توزیع دسترسی به منابع» باشد یا «دسترسی به منافع حاصل‌شده از منابع» و اینکه آن قدرت سیاسی که می‌تواند دسترسی به منابع را کنترل و درون ائتلاف مسلط توزیع کند چرا به جای آن به دنبال توزیع منافع حاصل از منابع نمی‌رود. برای آشنایی مختصر نگاه کنید به:

Daron Acemoglu & James A. Robinson (2008) PATHS OF ECONOMIC AND POLITICAL DEVELOPMENT, from: Barry R. Weingast, Donald A. Wittman-The Oxford Handbook of Political Economy-Oxford University Press, USA, 673-692.

### ج) چالش‌های نظام سیاسی عراق

تحولات عراق از متغیرهای متعددی تأثیر می‌پذیرد. یکی از متغیرهای مهم و تعیین‌کننده احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی هستند. از آنجا که احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی عراقی به عنوان یکی از پیشران‌های تحولات عراق محسوب می‌شوند، شناخت ماهیت و وضعیت آنها می‌تواند به درک پدیده‌ها و تحولات عراق و پیامدهای آن، از جمله روند توسعه کمک کند. بر اساس مبانی نظری مقاله، ظرفیت خشونت احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و امکان یا عدم امکان کنترل این ظرفیت، سرشت و سرنوشت روند توسعه عراق را تعیین می‌کند. با توجه به هدف و سؤال تحقیق و با اتکا به مبانی نظری و مدل مفهومی تحقیق، در ادامه چالش‌های نظام سیاسی عراق با تأکید بر ظرفیت خشونت احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی عراقی بررسی و در ادامه، راهکارهایی برای کنترل این ظرفیت ارائه خواهد شد.

#### ۱. ظرفیت بالای اعمال خشونت جریان‌های سیاسی عراقی

در ابتدا این سؤال مطرح می‌شود که آیا در عراق یک دولت از نوع وبری وجود دارد<sup>۱</sup> یا با تعدد و پراکندگی نیروهای دارای ظرفیت اعمال خشونت روبرو هستیم؟ در این خصوص لازم است منظور از ظرفیت اعمال خشونت تعریف شود. اگر منظور از ظرفیت اعمال خشونت را دسترسی به سلاح یا سیستم‌های امنیتی کشور تعریف کنیم، در عراق اولاً دستیابی به سلاح در انحصار دولت نیست و گروه‌های سیاسی و اجتماعی (عشایر) به سلاح دسترسی دارند و در صورت ضرورت، برای پیشبرد اهداف و تحقق منافع خود از آن استفاده می‌کنند. ثانیاً گروه‌های سیاسی برای نفوذ و تأثیرگذاری در نهادهای نظامی و امنیتی با یکدیگر رقابت می‌کنند. بر اساس دموکراسی سهمیه‌ای، نهادهای دفاعی و امنیتی نیز همانند نهادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بین گروه‌ها و جریان‌های سیاسی تسهیم می‌شود و به همین دلیل، رقابت پیدا و پنهانی بین گروه‌ها و جریان‌های سیاسی عراقی برای کسب سهم بیشتر از نهادهای دفاعی و امنیتی به وجود آمده است.

۱. یعنی آیا انحصار اعمال خشونت صرفاً در دست دولت است؟ انحصار دولت در اعمال خشونت، مشخصه نظام دسترسی باز یا نظام دسترسی محدود از نوع بالغ می‌باشد.

این در حالی است که بر اساس اسناد فرادستی در عراق، نیروهای نظامی این کشور از مداخله در سیاست منع شده‌اند و نخست‌وزیر، فرمانده کل نیروهای مسلح عراق است.

اگر منظور از ظرفیت اعمال خشونت را ظرفیت بسیج‌گری نیروهای اجتماعی توسط احزاب و جریان‌های سیاسی در نظر بگیریم، در این نوع از اعمال خشونت نیز انحصار وجود ندارد و در عراق، اغلب احزاب و جریان‌های سیاسی دارای ظرفیت اعمال خشونت هستند. جریان‌های سیاسی قدرتمند عراقی مانند جریان صدر قادرند پایگاه اجتماعی خود را فعال نموده و هواداران خود را برای اعمال فشار علیه دولت یا سایر گروه‌های اجتماعی به کف خیابان‌ها بیاورند. اشغال پارلمان عراق واقع در منطقه سبز بغداد توسط هواداران مقتدی صدر در سال ۲۰۱۶ نمونه‌ای از ظرفیت بالای این جریان در بسیج‌گری اجتماعی است. اعتراضات سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ عراق که به انقلاب «تشرین» شهرت پیدا کرد و در بستری از نارضایتی عمومی شکل گرفت، نمونه بارز دیگری از اعمال خشونت برخی جریان‌های سیاسی مخالف دولت از طریق بسیج پایگاه اجتماعی‌شان و کشاندن آنها به خیابان‌ها بود. در نتیجه این اعتراضات که در شکاف عمیق بین مردم و نخبگان و گروه‌های سیاسی ریشه داشت، ائتلاف نخبگان مسلط فروپاشید و عادل عبدالمهدی که در نتیجه اجماع نخبگان مسلط به نخست‌وزیری منصوب شده بود، ناچار به استعفا شد (Guardian, 2019) و در ادامه، بر اساس یک ائتلاف جدید، مصطفی الکاظمی به نخست‌وزیری رسید (Reuters, 2020).

ناکارآمدی ائتلاف جدید و ائتلاف‌های پیشین در تمشیت امور مردم و ارائه خدمات، باعث تداوم شکاف موجود میان مردم و نخبگان سیاسی شد. کاهش مشارکت در انتخابات زودهنگام پارلمانی عراق که در ۱۰ اکتبر ۲۰۲۱ برگزار شد، نشانه واضحی از این شکاف است که روزبه‌روز عمیق‌تر می‌شود. در انتخابات ۲۰۲۱، ائتلاف‌های شکست‌خورده که نتایج انتخابات را به معنای تغییر توازن قدرت به ضرر خود تلقی می‌کردند و از تأثیر نتایج انتخابات بر نحوه توزیع رانت و چگونگی تسهیم قدرت نگران بودند، به نتایج انتخابات اعتراض کردند و طرفداران خود را به خیابان‌ها کشاندند و نوعی خشونت نرم اعمال کردند.

از سوی دیگر، رهبر ائتلاف صدر به عنوان ائتلاف پیروز، شعار محوری خود را «حصر السلاح بيد الدولة» مطرح کرد (الشمري، ۲۰۲۱) تا ظرفیت خشونت جریان‌های رقیب را به نفع خود کاهش

دهد. علاوه بر این، مقتدی صدر بر ضرورت تشکیل «دولت اکثریت» تأکید و اعلام کرد در دولت آینده برخی از جریان‌های عراقی مانند ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری المالکی نمی‌توانند شرکت کنند. این در حالی است که قاطبه احزاب و جریان‌های سیاسی شیعه که در قالب «چارچوب هماهنگی نیروهای شیعه»<sup>۱</sup> کنشگری می‌کنند، خواستار تشکیل «دولت توافقی» با حضور همه نیروهای سیاسی شیعه هستند. پس از انتخابات پارلمانی ۲۰۲۱، عدم توافق نخبگان عراقی مانع از شکل‌گیری ائتلاف مسلط و تشکیل دولت شد و عراق وارد دوره‌ای از بحران سیاسی شد. همچنین به دلیل عدم توافق دو جریان اصلی کرد یعنی اتحادیه میهنی و حزب دموکرات، انتخاب رئیس‌جمهور با موانع و دشواری‌هایی روبه‌رو شد. بررسی روند تشکیل دولت در عراق نشان می‌دهد این کشور در سال‌های ۲۰۱۰، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸ نیز با بحران توافق نخبگان برای تشکیل ائتلاف مسلط روبه‌رو بوده است.

بسیاری از جریان‌های عراقی شیعه و کرد، به دلیل برخورداری از سابقه مبارزه مسلحانه علیه رژیم صدام، شاخه نظامی دارند. البته حزب‌الدعوه یک استثنا به شمار می‌آید. در دوره اول نخست‌وزیری نوری المالکی (۲۰۱۰ - ۲۰۰۶) یکی از چالش‌های اصلی دولت عراق، مدیریت و مهار جیش‌المهدی به عنوان شاخه نظامی جریان صدر بود (International Crisis Group, 2009: 11).

کردها نیز با اتکا به نیروهای نظامی خود موسوم به «پیشمرگه» تلاش می‌کنند نوعی توازن قوا با سایر جریان‌های سیاسی و همچنین دولت مرکزی عراق ایجاد کنند. اگرچه کردهای عراقی، پیشمرگه را یک نیروی دفاع ذاتی معرفی می‌کنند اما یکی از چالش‌های دائمی و موضوعات مورد مناقشه بین دولت مرکزی عراق و اقلیم کردستان، خرید تسلیحات از کشورهای خارجی از سوی اربیل و تسلیح نامتعارف نیروهای پیشمرگه بوده است (زارعان، ۱۳۹۵: ۲۸۳).

اهل سنت نیز به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به ظرفیت گروه‌های مسلح سنی که از سال ۲۰۰۳ به بعد با عناوین و ماهیت‌های مختلف در فضای امنیتی عراق کنشگری می‌کنند، اتکا نموده و از این طریق تلاش می‌کنند ظرفیت اعمال خشونت خود را در مقایسه با سایر گروه‌های عراقی

حفظ کنند. مهم‌ترین گروه‌های شورشی سنی عراقی در دوره اخیر دولت اسلامی عراق (القاعده عراق)، ارتش مجاهدین عراق، ارتش اسلامی عراق، ارتش انصارالسنه، گردان‌های انقلاب ۱۹۲۰ و جبهه اسلامی مقاومت عراق بوده است. دولت اسلامی یا القاعده عراق تحت عناوینی مانند شورای مجاهدین، سازمان القاعده در سرزمین بین‌النهرین و جماعت توحید و جهاد تحت رهبری ابومصعب زرقاوی فعالیت می‌کرد. بعد از مرگ زرقاوی در ژوئن ۲۰۰۶، رهبری این گروه را به ترتیب ابوعمر بغدادی، ابوحمزه مهاجر و در نهایت ابوبکر بغدادی برعهده گرفتند (زارعان، ۱۳۹۳: ۴۲). در سال ۲۰۱۴، ابوبکر بغدادی با اعلام تشکیل دولت اسلامی در اراضی تحت تصرف در عراق و سوریه و جذب و سازماندهی ظرفیت خشونت اهل سنت، یکی از بزرگترین تهدیدهای امنیتی خاورمیانه در دوران معاصر را به وجود آورد.

## ۲. استقلال سازمان از شخص

یکی از شاخص‌های کارآمد برای بررسی روند توسعه کشورهای واقع در طیف دسترسی محدود و گذار به طیف باز، «وابسته‌نبودن سازمان‌های سیاسی و اقتصادی به اشخاص» است. نورث معتقد است «اگر امتیاز استفاده از سازمان به هویت فردی رهبر و نه خود سازمان وابسته باشد، روابط شخصی است ولی به تدریج که جوامع [در مسیر توسعه] بدون توجه به هویت شخصی رهبران، امتیازدهی به سازمان‌ها به عنوان اشخاص حقیقی را شروع کنند، سازمان پیچیده‌تر و غیرشخصی‌تر می‌شود» (نورث، ۱۳۹۶: ۸۴). در حکومت‌های طبیعی، رابطه افراد و رهبران سازمان در قالب رابطه «مراد- مرید» نیز قابل ارزیابی است. در این جوامع، فرودستان بر اساس سطح رابطه مریدانه یا میزان ارادتمندی، از مزایای قدرت فرادستان برخوردار می‌شوند. در این جوامع «توانایی هر مراد برای حمایت از مریدانش تا حدی به توانایی مریدان آن مراد به اعمال خشونت علیه مریدان سایر مرادها بستگی دارد. توانایی تهدید و کاربرد خشونت، بخش ذاتی از روابط بین حامیان فرادست در ائتلاف مسلط و روابط بین مرادها و مریدان آنهاست» (نورث، ۱۳۹۶: ۸۶).

در عراق، اغلب احزاب و جریان‌های سیاسی از هویت مستقل حزبی و سازمانی برخوردار نیستند. هر یک از این احزاب و جریان‌های سیاسی، حول محوریت یک خاندان یا شخصیت سیاسی شکل گرفته‌اند و اساساً سازمان‌ها، احزاب و جریان‌های سیاسی، همگی شخص‌محور یا

خاندان‌محور هستند. این وضعیت به گونه‌ای است که نام برخی از جریان‌های سیاسی مانند جریان صدر و جریان حکمت ملی عراق از نام خاندان‌های عراقی گرفته شده است. وزن شخصیت‌ها و خاندان‌های عراقی به حدی است که با فاصله گرفتن آنها از هسته اصلی یک جریان سیاسی، جریان سیاسی جدیدی حول محور آن شخص یا خاندان شکل می‌گیرد.

جدول شماره ۲: شخصیت یا خاندان محوری برخی از مهمترین جریان‌های سیاسی عراق

شخصیت یا خاندان محوری	حزب یا جریان سیاسی
خاندان حکیم به رهبری عمار حکیم	جریان حکمت ملی عراق
خاندان صدر به رهبری مقتدی صدر	جریان صدر
نوری المالکی	حزب الدعوة
آیت‌الله شیخ محمد یعقوبی	حزب فضیلت اسلامی
فالح الفیاض	حرکه العطا
خاندان جلال طالبانی	اتحادیه میهنی
مسعود بارزانی	حزب دموکرات کردستان
نوشیروان مصطفی	جنبش تغییر
اسامه النجیفی	جبهه نجات و توسعه

اطاعت محض و سلسله‌مراتبی برخی از شهروندان از رهبران سیاسی مانند مقتدی صدر می‌تواند نشان‌دهنده وجود سطح بالایی از روابط مرید و مرادی و وابستگی سازمان به شخص باشد که از منظر نورث، در مسیر توسعه به عنوان مانع ارزیابی می‌شود. جایگزین شدن وابستگی‌های شخصی به جای وابستگی سازمانی باعث می‌شود دنباله‌روی از افراد بدون توجه به میزان درست و غلط بودن اعمال آنها از نظر اخلاقی و سیاسی صورت گیرد. از سوی دیگر ایجاد یک سرمایه بزرگ حمایتی از یک شخصیت سیاسی، مانع تغییر مواضع او در شرایط خاص و بنا بر ضرورت‌های سیاسی و عقلانی می‌شود. علاوه بر این، شخصیت‌های محوری احزاب یا جریان‌های سیاسی عراقی با بهره‌گیری از اقتدار سنتی یا کاریزماتیک خود می‌توانند هواداران‌شان را علیه سایر جریان‌های سیاسی بسیج کنند و به این ترتیب، از ظرفیت اعمال خشونت بالایی برخوردارند.

#### د) وضعیت ائتلاف مسلط در عراق

منظور از ائتلاف مسلط، ائتلاف گروه‌ها و جریان‌های مختلف سیاسی پیرامون اهداف مشترک و راه‌های دستیابی به این اهداف است. پس از سقوط صدام، نظام سیاسی جدید عراق بر اساس توافق دو مکون اصلی، یعنی شیعیان و کردها شکل گرفت. اهل سنت در ابتدا منفعلانه نظاره‌گر تحولات سیاسی بودند اما در ادامه، بخشی از آنها به روند سیاسی پیوستند و بخشی دیگر، مبارزه مسلحانه علیه نظم سیاسی جدید را در پیش گرفتند. حوادث خونبار سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ و در ادامه ناآرامی‌های استان‌های سنی‌نشین که در نهایت به تاخت و تاز داعش در سال ۲۰۱۴ منجر شد، نتیجه شکست ائتلاف بین مکونات عراق در دوره پساصدام است (زارعان، ۱۳۹۵: ۲۸۷).

در دوره پساصدام، شکاف‌های عمیق موجود در میان نخبگان سیاسی عراق مانع از اجماع آنها در موضوعات اساسی عراق شده و زمینه تحقق صلح سرد در ائتلاف مسلط را با مشکل مواجه کرده است. تشکیل دولت در عراق، نه به دلیل توافق احزاب و گروه‌های سیاسی بر سر اهداف مشترک و راه‌های دستیابی به این اهداف بلکه ناشی از توافق در مورد بهرمندی از مزایا و مواهب قدرت بوده است.

اگر منظور از ظرفیت خشونت، کنترل ابزارهای نظامی باشد، شیعیان عرب به دلیل آن که مقام نخست‌وزیری را در اختیار دارند و نخست‌وزیر، فرمانده کل نیروهای مسلح است به همراه کردها که دارای نیروی نظامی مستقلی به نام پیشمرگه هستند، ظرفیت اعمال خشونت را به طور شبه‌انحصاری در اختیار دارند. اما نکته مهم این است که «آیا این تفوق منجر به استفاده از این مزیت در جریان برهم‌زدن تعادل توزیع رانت شده است یا خیر؟».

ساختار سیاسی - حقوقی عراق که مبتنی بر دموکراسی توافقی است و در آن، برای گروه‌های قومی و مذهبی سهم مشخصی از قدرت را در نظر گرفته است به نوعی تعادل و توازن در توزیع رانت را تضمین کرده است، اما اگر ظرفیت بسیج‌گری را نیز در دایره ظرفیت اعمال خشونت تعریف کنیم، آن‌گاه نافرمانی‌های مدنی، عدم پذیرش نمادهای حکومتی، اعتصاب و تظاهرات خیابانی، مقابله مسلحانه با نیروهای دولتی و امثال آن مصادیق ظرفیت جریان‌های سیاسی در اعمال خشونت از طریق بسیج‌گری اجتماعی محسوب می‌شوند. به نظر می‌رسد با توجه به رویکرد دوم،



یعنی تعریف موسع از ظرفیت خشونت که شامل قدرت بسیج‌گری می‌شود، ائتلاف مسلط جریان‌های سیاسی متنوعی از سه گروه بزرگ قومی- مذهبی عراق (عرب شیعه، عرب سنی و کرد سنی) را شامل می‌شود. این جریان‌ها از یک‌سو در فضای داخلی عراق ظرفیت اعمال خشونت (در معنای موسع آن یعنی توانایی بسیج‌گری) علیه یکدیگر را دارند و از سوی دیگر، با یکدیگر ائتلاف مسلط را تشکیل داده‌اند.

برای پاسخ به این سؤال که «وضعیت صلح در ائتلاف مسلط چگونه است؟»، باید گفت در اغلب مقاطع پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳، روابط جریان‌های موجود در ائتلاف مسلط، نه بر پایه رقابت برنامه‌ای بلکه بر مبنای رقابت هویتی بوده است. رقابت برنامه‌ای یعنی اینکه اعضای ائتلاف مسلط ضمن پذیرش قواعد بازی صلح‌آمیز، رقابت را در سطح برنامه‌ای<sup>۱</sup> حفظ کرده، وجود و بقای رقبا را به رسمیت می‌شناسند. در عراق، علاوه بر رقابت‌های سیاسی رایج در همه کشورها، بین جریان‌های سیاسی رقابت هویتی شدیدی نیز در جریان است و بنا به دلایل مختلف، برخی گروه‌های سیاسی- اجتماعی معتقدند رانت‌های حاصل‌شده از منابع سیاسی- اقتصادی به صورت نامناسب توزیع شده و به همین دلیل، نوعی ناشکیبایی هویتی دائمی در بین گروه‌های عراقی شکل گرفته است. این وضعیت در اهل سنت بسیار بحرانی است و به بی‌قراری دائمی آنها منجر شده است.

با اتکا به مبانی نظری مقاله می‌توان گفت که علت اصلی حرکت کُند توسعه در عراق و رخدادن بی‌ثباتی‌های مزمن در آن، وجود رقابت‌های هویتی عمیق بین گروه‌های سیاسی- اجتماعی است. اما باید توجه داشت در نظام‌های مردم‌سالار و دموکراتیک با توجه به محاسبه‌گر بودن بازیگران، آنها در محاسبات استراتژیک خود، نه فقط منافع حال حاضر بلکه منافع آینده را نیز در نظر می‌گیرند. بازیگران سیاسی بر این اساس علاقه دارند نهادهای سیاسی یا اقتصادی (شامل نهاد داوری و ائتلاف نخبگان مسلط) که منافع حال و آینده آنها را تأمین می‌کند، حفظ و از بقای آن حفاظت کنند (Acemoglu & Robinson, 2008: 680). همچنین رویکرد همکاری با بازیگران دیگر زمانی محقق می‌شود که اولاً بازیگران محدود باشند تا بتوان اطلاعات کافی را در مورد عملکرد

گذشته آنها به دست آورد و از سوی دیگر بازی تکرار شود. به عبارت دیگر زمانی که بازی تکرار نشود یا اطلاعات کافی در مورد آنها وجود نداشته باشد یا تعداد بازیگران افزایش یابد، همکاری سخت خواهد شد. این استدلال به نوعی بر این نکته تأکید می‌کند که شفاف‌سازی و محدود کردن تعداد بازیگران می‌تواند جزو شرایط مهم در حرکت رو به جلو درون طیف نظام‌های دسترسی محدود باشد (North, 1991: 97).

### ه) بزنگاه تاریخی (پیچ تاریخی)

تعیین فاصله عراق با بزنگاه تاریخی می‌تواند از پیش‌نیازهای اصلی برای تشخیص وضعیت توسعه در این کشور و طراحی آینده پیش رو باشد. در این مقاله به دنبال تعیین این فاصله و ارائه آمار و ارقام در این خصوص نیستیم و تنها بر این نکته تأکید می‌شود که هرگونه طراحی در مسیر توسعه سیاسی و اقتصادی باید این مرزبندی مهم را به رسمیت شناخته و مقتضیات آن را در نظر بگیرد. در این خصوص هرگونه پیشنهاد و طراحی برای تغییر نهادهای سیاسی و اقتصادی باید با توجه به این نکته باشد که «نهادهای تمایل به بقا در طول زمان دارند و تغییرات بزرگ در نهادها به ندرت صورت می‌گیرد مگر در مواقع مهم پیچ تاریخی» (Acemoglu & Robinson, 2008: 683). لذا هرگونه اقدام شتاب‌زده و کپی‌برداری ناشیانه نظام‌های دسترسی محدود از ورای مرزهای جغرافیایی و فرهنگی نادرست است و نمی‌تواند منشأ امید برای حرکت در مسیر توسعه باشد. نورث تأکید می‌کند «از آنجا که نظام‌های دسترسی محدود توسط نخبگان هدایت می‌شوند، بسیاری از اصلاحات بیشترین تأثیر را در ارتقای سطح زندگی نخبگان خواهد داشت یا اینکه رانت‌های آنها را تحکیم خواهد بخشید... دیدگاه ما این است که ایجاد صلح در جوامع خشونت‌زده، توجه به اصول نظام‌های دسترسی محدود است و نه ایجاد یک نظام دسترسی باز از طریق دموکراسی و بازار» (North, 2007: 43).

**و) عنصر ثالث یا داور**

مهمترین نقش عنصر ثالث در نظام‌های دسترسی محدود عبارت است از تضمین تداوم صلح سرد<sup>۱</sup> در بین اعضای ائتلاف مسلط و اعتباربخشی به صلح به عنوان تضمین‌کننده بیشترین رانت برای تمامی اعضای ائتلاف مسلط. از سوی دیگر عنصر ثالث می‌تواند دارنده نقش حیاتی برای دستیابی به شاخص‌های اصلی دوران گذار و عبور از پیچ تاریخی یا بزنگاه حیاتی باشد. آنچه در این مقاله به عنوان یک عامل مهم و تعیین‌کننده در روند توسعه مورد تأکید قرار گرفته است، عنصر ثالث یا داور است. بنابراین باید عنصر داوری در عراق آسیب‌شناسی و مصادیق آن شناسایی شوند. بسیاری از مسائل عراق با حضور عنصر داور حل و فصل می‌شوند. به عنوان نمونه، ایجاد ائتلاف سیاسی اکثریت تحت قبه پارلمان برای انتخاب نخست‌وزیر همواره با کمک عنصر داور و توافق صریح یا ضمنی داوران صورت گرفته است. در سال‌های ۲۰۱۰، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸، نخست‌وزیر عراق با پادرمیانی و نقش‌آفرینی عنصر داور انتخاب شد و جمهوری اسلامی ایران نقش اساسی در ایجاد ائتلاف مسلط و مدیریت ظرفیت خشونت گروه‌ها و جریان‌های عراقی ایفا کرد. در سال ۲۰۱۰ در حالی که مجلس اعلای اسلامی عراق حاضر به پذیرش نخست‌وزیری نوری المالکی نبود و عراق برای چندین ماه در بن‌بست سیاسی قرار گرفته بود، با نظر جمهوری اسلامی ایران، بخشی از مجلس اعلا بر خلاف جریان اصلی آن از نخست‌وزیری المالکی حمایت کرد و اکثریت پارلمانی همسو با نخست‌وزیری مالکی شکل گرفت و راه برای دور دوم نخست‌وزیری المالکی هموار شد. شرط لازم برای تعریف نقش داور برای یک بازیگر، به رسمیت‌شناختن این نقش توسط سایر بازیگران است. یکی از واقعیت‌های سیاسی عراق، وجود مرجعیت‌های سیاسی متعدد داخلی و خارجی برای احزاب و جریان‌های سیاسی است. در سطح داخلی، تنها بازیگری که می‌تواند نقش داور را ایفا کند، مرجعیت عالی شیعیان عراق، آیت‌الله سیستانی است. اما بررسی روند کنش سیاسی آیت‌الله سیستانی از سال ۲۰۰۳ به بعد نشان می‌دهد اولاً ایشان جز در مسائل و موضوعات کلان که به‌طور مستقیم به منافع و مصالح عراق مربوط است ورود نکرده‌اند، ثانیاً به تدریج و البته آگاهانه،

۱. صلح سرد یا صلح مسلح یعنی خودداری بازیگران از استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت به‌رغم حفظ ظرفیت‌های خشونت‌ورزی.

میزان مداخله خود در امورات سیاسی را کاهش داده‌اند. از طرف دیگر، بازیگران کرد و سنی و بازیگران لائیک شیعه، به اندازه شیعیان اسلام‌گرا ایشان را به عنوان مرجع حل و فصل امور، توزیع منافع و مدیریت روند صلح سرد به رسمیت نمی‌شناسند.

در سطح خارجی، کشورهای منطقه به همراه ایالات متحده آمریکا و حتی برخی کشورهای اروپایی، مرجع سیاسی احزاب و جریان‌های سیاسی عراقی محسوب می‌شوند. سکونت طولانی مدت گروه‌های اپوزیسیون عراقی در دوران صدام در خارج از این کشور، این گروه‌ها را تا حد زیادی به سیاست و سیاستمداران کشورهای میزبان نزدیک و وابسته کرده است. علاوه بر این، نقشی که کشورهای حامی این گروه‌ها در به قدرت رساندن آنها در دوران پساصدام ایفا کرده‌اند، وابستگی آنها را افزایش داده است. از سوی دیگر، اعراب سنی که موقعیت پیشین خود را در ساختار سیاسی عراق از دست داده‌اند، به بلوک سنی منطقه نزدیک شده‌اند و حمایت آنها را جستجو می‌کنند.

در کشورهایی که نظام سیاسی - حقوقی آنها مبتنی بر دموکراسی توافقی است، ترتیبات اساسی قدرت در آنها بر اساس توافق قدرت‌های بزرگ شکل می‌گیرد. در این قبیل کشورها، هر یک از گروه‌های قومی و مذهبی با اتکا به پشتوانه‌های خارجی خود تلاش می‌کند سهم بیشتری از قدرت کسب کند. دولت لبنان نمونه بارزی از نظام‌های سیاسی است که بر اساس توافق قدرت‌های خارجی شکل می‌گیرد و تغییر می‌کند. بسیاری از کارشناسان و سیاستمداران عراقی بر این باورند برای حل بحران‌های متعدد عراق، ایران، آمریکا، عربستان و ترکیه باید پشت یک میز بنشینند و مشکلاتشان را با هم حل کنند. از نظر آنها هیچ راه‌حلی برای بحران‌های عراق به جز توافق قدرت‌های بزرگ خارجی وجود ندارد. در واقع، این قدرت‌های بزرگ هستند که باید نقش و سهم هر یک از گروه‌های قومی - مذهبی و احزاب و جریان‌های سیاسی وابسته به آنها را مشخص کنند. وجود مرجعیت‌های سیاسی خارجی متعدد برای احزاب و جریان‌های سیاسی عراقی باعث شده رقابت‌های منطقه‌ای به داخل عراق کشیده شود و گسل‌های قومی و مذهبی بیش از پیش عمیق و فعال‌تر شوند. این وضعیت، شرایط ناپایداری را در عرصه سیاسی و به تبع آن عرصه امنیتی و اقتصادی پدید آورده است و عراق را آستان بحران‌های متعدد سیاسی، اقتصادی و امنیتی نموده است. اهل سنت عراق به پشتوانه بلوک سنی منطقه در مقطعی نسبتاً طولانی راه تقابل مسلحانه با

دولت شیعه‌محور را برگزیده است. کردها نیز با حمایت سیاسی و اقتصادی کشورهای خارجی مانند ترکیه، تلاش می‌کنند از دولت مرکزی عراق امتیازات بیشتری بگیرند. دو جریان مهم شیعه یعنی حزب‌الدعوه و جریان حکمت ملی عراق (منشعب‌شده از مجلس اعلا) نیز تلاش می‌کنند با ایجاد توازن بین اراده سیاسی ایران و آمریکا موقعیت خود را در رأس هرم قدرت سیاسی حفظ کنند. جریان صدر نیز به عنوان یک جریان شیعی و اسلام‌گرا، با اتخاذ گفتمان قومی (عربی) می‌کوشد از ظرفیت این گفتمان و امتداد عربی خود در منطقه بهره‌برداری کند (اسدی، ۱۳۹۰).

بررسی ساختار نظام سیاسی در عراق و توزیع قدرت بین جریان‌های سیاسی عراقی نشان می‌دهد که به‌رغم اینکه شیعیان در رأس هرم قدرت سیاسی در این کشور قرار دارند اما این موضوع به مفهوم توانایی کامل و بدون ممانعت آنان برای پیشبرد اهداف سیاست داخلی و خارجی نیست، چراکه نظام سیاسی توافقی و شکاف‌های قومی و مذهبی درونی عراق و موازنه‌سازی سایر نیروها در برابر شیعه باعث تنوع سیاسی بالایی در عراق شده که امکان اتخاذ هر گونه سیاست یک‌جانبه توسط شیعیان در داخل و خارج را با مشکل روبه‌رو می‌کند (زارعان، ۱۳۹۷: ۱۴۹-۱۴۷).

بنابراین، در عراق هیچ عنصر داوری وجود ندارد که همه بازیگران روی آن اجماع کرده باشند و در فرایند توزیع منافع، او را به عنوان تنها منبع حل و فصل اختلافات به رسمیت بشناسند. وجود مرجعیت‌های خارجی متعدد به ظهور بازیگران داور متعدد منجر شده است. از آنجا که ماهیت روابط بازیگران داور، تقابلی یا رقابتی است، بازیگران داور به جای کنترل ظرفیت خشونت جریان‌های عراقی، این ظرفیت را علیه یکدیگر به کار می‌گیرند. فتنه داعش نمونه بارزی از استفاده از ظرفیت خشونت یکی از مکونات عراق علیه سایر مکونات عراقی توسط یک بازیگر خارجی است که توسط بخشی از جامعه عراق، به عنوان عنصر داور به رسمیت شناخته می‌شود. طبیعی است در چنین شرایطی، سایر بازیگران داور از ظرفیت خشونت سایر مکونات یا گروه‌های عراقی برای مهار و کنترل خشونت اعمال‌شده استفاده کنند.

## و) راهکارهای کنترل ظرفیت اعمال خشونت در عراق

### ۱. اجماع بر روی یک بازیگر داور

رقابت سیاسی و ظرفیت‌های خشونت (دسترسی به سلاح و بسیج‌گری اجتماعی توسط جریان‌های سیاسی) موجود در میان ائتلاف نخبگان مسلط در عراق، وجود عنصر داور را ضروری می‌کند اما ضرورت اصلی، اجماع نخبگان مسلط بر یک بازیگر (داخلی یا خارجی) و معتبر شناختن او به عنوان عنصر داور است. تحقق کارویژه‌های اصلی عنصر داور در عراق برای تضمین روند توسعه، نیازمند شرایطی است. عنصر داور باید مستقل باشد و فراجناحی عمل کند. در اینجا باید بین اعمال بی‌طرفی، اعلام بی‌طرفی، بی‌طرفی واقعی و احساس بی‌طرفی تمایز قائل شد. نکته مهم دیگر آن است که نخبگان عضو ائتلاف مسلط نیز نقش مستقل داور را به رسمیت شناخته و در جریان رقابت‌های سیاسی به آن توجه داشته باشند.

کارکرد دیگر عنصر ثالث یا داور می‌تواند تضمین و تسهیل ورود بازیگران جدید به عرصه ائتلاف مسلط باشد البته تا جایی که همچنان حفظ صلح سرد نسبت به استفاده از ظرفیت خشونت برای اعضای ائتلاف مسلط ترجیح داشته باشد. بی‌توجهی به فراهم کردن فضا برای ورود بازیگران جدید، مخاطرات مشارکت خارج از نهادهای سامان‌یافته را که موجب بی‌ثباتی می‌شود، افزایش می‌دهد (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۱۰). جریان‌های مدنی، بازیگران جدید عرصه سیاسی - اجتماعی عراق محسوب می‌شوند و در اعتراض‌های خیابانی سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰، از صحنه‌گردان‌های اصلی بودند. بدیهی است عنصر داور برای حفظ ثبات سیاسی در عراق باید برای جریان‌های مدنی زمینه ورود به ائتلاف مسلط را فراهم کند.

از آنجا که ایجاد اجماع و توافق عمومی بین جریان‌های عراقی در مورد یک عنصر داور بسیار سخت و حتی غیرممکن است، توافق بر روی چند داور و هماهنگی داورها با یکدیگر در نظارت بر فرایند توزیع رانت و مدیریت صلح سرد یا صلح مسلح می‌تواند مشکلات عراق را تا حد زیادی کاهش دهد. توافق طائف که در سال ۱۹۸۹ باعث ایجاد صلح مسلح بین گروه‌ها و طوایف لبنانی و پایان جنگ داخلی لبنان شد، عملاً با هماهنگی و توافق دو عنصر داور یعنی سوریه و عربستان سعودی شکل گرفت (المصری، ۲۰۰۶). البته تحقق صلح مسلح از طریق توافق بازیگران داور نیز شکننده و ناپایدار است زیرا به محض از بین رفتن توافق بین بازیگران داور، زمینه‌های تحقق صلح

مسلح از بین می‌رود و ائتلاف مسلط فرومی‌پاشد؛ همان‌گونه که خروج سوریه از لبنان در سال ۲۰۰۵ (الرأی، ۲۰۰۵) و نادیده‌گرفتن نقش داور مورد قبول بخشی از گروه‌های لبنانی، باعث ورود لبنان به چرخه‌ای طولانی از بی‌ثباتی سیاسی شد.

## ۲. تمرکز نهادهای دفاعی و امنیتی و اشراف قانونی بر آنها

شرایط عراق در دوران حاکمیت حزب بعث و پس از آن باعث شده نیروهای دفاعی و امنیتی این کشور پراکندگی بیشتری در مقایسه با الگوهای رایج جهانی داشته باشند. در دوره بعث، برخی از گروه‌های سیاسی مخالف رژیم صدام برای مقابله مسلحانه با رژیم، شاخه نظامی ایجاد کرده بودند و با توجه به اقتضائات دوران پساصدام، کماکان شاخه نظامی خود را حفظ کردند. علاوه بر این، در دوره پسابعث نیز برخی دیگر از گروه‌های عراقی با هدف مقابله با اشغالگری آمریکایی‌ها نسبت به ایجاد تشکیلات نظامی اقدام کردند. عشایر عراق نیز به دلیل کارویژه‌های خاصی که برای خود تعریف کرده‌اند و منافع که تعقیب می‌کنند سلاح خود را حفظ کرده‌اند. همه این گروه‌ها و مجموعه‌های مسلح این استعداد را دارند که به کنشگر دفاعی و امنیتی در وجه سلبی یا ایجابی تبدیل شوند و تجربه تاریخی عراق نیز مؤید این ادعاست.

از سوی دیگر، ناکارآمدی ساختار دفاعی و امنیتی عراق زمینه را برای کنشگری گروه‌های مسلح در وجه سلبی یا ایجابی و توسعه آنها ایجاد کرده است. آمریکایی‌ها بلافاصله پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، همه نهادهای دفاعی و امنیتی این کشور را منحل و یک ساختار جدید وابسته به خود در این کشور ایجاد کردند. اما ساختار ایجادشده توسط آمریکایی‌ها در زمان تهدید داعش در سال ۲۰۱۴ فروپاشید و حدود یک سوم عراق به اشغال داعش درآمد. در شرایطی که قدرت دفاعی و امنیتی نیز همانند قدرت سیاسی بین جریان‌های عراقی تقسیم می‌شود، کارگزاران دفاعی و امنیتی نیز نگاهی منفعت‌محور به نهادهای تابعه خود دارند و منافع مراجع سیاسی خود در داخل یا خارج را تعقیب می‌کنند. این وضعیت سبب ناکارآمدی دستگاه‌های دفاعی و امنیتی عراق شده است و ضرورت افزایش اشراف قانونی بر نهادهای دفاعی و امنیتی را بیشتر کرده است.

### ۳. جلوگیری از انحصار غیرطبیعی یا انحراف انحصار طبیعی

یکی دیگر از کارویژه‌های عنصر داور، مقابله با شکل‌گیری انحصارهای غیرطبیعی یا انحراف انحصارهای طبیعی است. همانطور که گفته شد منظور از انحصارهای طبیعی مواردی است که با توجه به شرایط خاص داخلی و خارجی، شکل‌گیری آنها مبتنی بر یک سری ضروریات، غیرقابل اجتناب است. در عراق، متناسب با وزن مکونات این کشور، مناصب راهبردی (نخست‌وزیر، ریاست پارلمان و ریاست جمهوری) بین مکونات عراق تقسیم شده و بر اساس یک قانون نانوشته، انحصار مناصب راهبردی بین گروه‌های عراقی به رسمیت شناخته شده است. در اینجا مسئله مهم این است که گروه‌های عراقی از حق انحصاری خود علیه سایر گروه‌ها استفاده نکنند و این انحصار طبیعی را به انحراف نکشانند.

### نتیجه‌گیری

عراق در طول تاریخ معاصر خود همواره کشوری جاه‌طلب بوده است. سابقه تاریخی و تمدنی، موقعیت ژئوپلیتیکی، ذخائر طبیعی و عوامل دیگر، رهبران عراق را برای رسیدن به یک کشور قدرتمند و توسعه‌یافته در منطقه ناشکیبا کرده است. به‌رغم این ظرفیت و استعداد تاریخی، تمدنی، ژئوپلیتیکی و اقتصادی، این کشور هرگز نتوانسته است گامی جدی در مسیر توسعه و پیشرفت بردارد. ظهور بحران‌های ادواری و تجربه جنگ‌های متعدد داخلی و خارجی و فقدان سازوکار مناسب برای انتقال قدرت سیاسی از مشکلات اساسی پیش روی توسعه‌یافتگی عراق به‌شمار می‌آیند.

بر اساس نظریه داگلاس نورث، شرط لازم برای توسعه یک واحد سیاسی، توانایی آن در مدیریت و کنترل ظرفیت خشونت جریان‌های سیاسی حاضر در ائتلاف مسلط است. بر این اساس، زمانی که جریان‌های سیاسی برای دستیابی به منافع یا به حداکثر رساندن منافع خود از ظرفیت‌های خشونتی که در اختیار دارند استفاده می‌کنند در روند توسعه اختلال ایجاد می‌شود. در مقابل، اجماع نخبگان سیاسی و حزبی بر سر اصول و به رسمیت شناختن قواعد توزیع منافع به جای تلاش برای انحصار غیرطبیعی آن، می‌تواند عاملی مؤثر بر آغاز روند توسعه قلمداد شود. در این میان، عامل



«داور» که نقش تسهیل‌کننده، تسریع‌کننده و حیاتی در توزیع متناسب منافع یا رانت‌های مولد بین جریان‌های سیاسی دارد بسیار مهم است.

یافته‌های مقاله نشان می‌دهد اغلب جریان‌های سیاسی عراقی واجد ظرفیت بالایی از خشونت، اعم از دسترسی به سلاح یا توان بسیج‌گری اجتماعی هستند. جریان‌های سیاسی عراق به دلیل وابستگی به اشخاص و خاندان‌ها به صورت نهادمند کنشگری نمی‌کنند و شکل‌گیری نوعی رابطه مراد- مریدی در داخل این جریان‌ها، رهبران آنها را در به‌کارگیری ظرفیت اجتماعی جریان متبوع خود علیه سایر جریان‌ها توانمند کرده است. از سوی دیگر، ائتلاف مسلط که قدرت تعیین مقدرات کشور را در اختیار دارد به شدت شکننده بوده و هر لحظه در معرض خطر فروپاشی قرار دارد. علت این شکنندگی، وجود رقابت‌های هویتی شدید است. علاوه بر رقابتی که بر سر دستیابی به منافع یا به حداکثر رساندن منافع در بین مکونات یا ائتلاف مسلط وجود دارد، جریان‌های حاضر در ائتلاف مسلط، رقابت هویتی شدیدی را نیز تجربه می‌کنند.

از نظر نورث، عامل داور می‌تواند نظام توزیع منافع را در بین اعضای ائتلاف مسلط مدیریت کند و مانع استفاده آنها از ظرفیت‌های خشونتی که در اختیار دارند بشود. به عبارت دیگر عنصر داور می‌تواند ضامن تداوم صلح مسلح باشد. مشکل دیگر عراق، عدم اجماع اعضای حاضر در ائتلاف مسلط در مورد عنصر داور است. از آنجا که مرجعیت سیاسی داخلی و خارجی هر یک از جریان‌های سیاسی متفاوت است، در عراق هیچ بازیگر مرضی‌الطرفینی وجود ندارد که جریان‌های سیاسی در مورد صلاحیت او برای داوری در فرایند توزیع منافع، اتفاق نظر داشته باشند. در واقع در عراق، به جای وجود یک عنصر داور، چند عنصر داور وجود دارد که در وضعیت تقابلی یا رقابتی نسبت به یکدیگر قرار دارند. در یک وضعیت پارادوکسیکال، عناصر داور، به جای تلاش برای کاهش ظرفیت اعمال خشونت، به منظور تحقق اهداف و دستیابی به منافع خود، ظرفیت اعمال خشونت جریان‌های همسو با خود را علیه داور رقیب و جریان‌های همسو با او فعال می‌کنند. مهمترین راهکار برای برون‌رفت از وضعیت ناگوار کنونی، اجماع اعضای ائتلاف مسلط بر روی یک داور یا چند داور است تا داور یا داورهای مورد اجماع، فرایند توزیع منافع و رانت‌های طبیعی و مولد را مدیریت کنند. عنصر داور باید ضمن حمایت از انحصارهای طبیعی، مانع شکل‌گیری انحصارهای غیرطبیعی یا انحراف انحصارهای طبیعی شود. اشراف و افزایش نظارت

بر نهادهای دفاعی و امنیتی، نهادمندشدن جریان‌های سیاسی و کاهش وابستگی آنها به اشخاص و خاندان‌ها و شفافیت کنترل‌شده به نحوی که به تراحم منافع جریان‌های سیاسی منجر نشود از دیگر راهکارهای کنترل ظرفیت اعمال خشونت جریان‌های سیاسی عراقی است.

هرچند عراق در درون طیف نظام‌های دسترسی محدود قرار می‌گیرد ولی در برخی شاخص‌ها پیشرفت کرده است. از سه شرط اساسی گذار از نظام دسترسی محدود به نظام دسترسی باز، تسلط سیاسی دولت بر نظامیان و عدم کنش نظامیان خارج از تدابیر نخبگان ائتلاف مسلط، در قیاس با گذشته پیشرفت قابل توجهی داشته است، اگرچه هنوز با وضعیت ایدئال فاصله زیادی دارد. با این حال در مورد دو شرط دیگر گذار، یعنی «حاکمیت عادلانه قانون در میان طبقه مسلط» و «بلوغ نهادها و سازمان‌های سیاسی غیروابسته به شخص» پیشرفت نکرده است.



## فهرست منابع

- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۱)، «روند دولت- ملت‌سازی در عراق جدید و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- خواجه سروری، غلامرضا (۱۳۸۲)، «رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رضایی، محمد (۱۳۹۴)، «شکاف‌های جامعه ایرانی»، تهران: نشر آگاه.
- زارغان، احمد (۱۳۹۵)، «مطالعه جامعه‌شناختی روند مشارکت شیعیان عراق در ساختار سیاسی (۲۰۱۵ - ۲۰۰۳)»، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- زارغان، احمد و حمیدرضا اسلامی (۱۳۹۳)، «بررسی تأثیر زمینه‌های همگرایی و واگرایی جریان‌های سلفی - تکفیری و بازماندگان حزب بعث بر بحران امنیتی عراق»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۸، شماره ۲.
- زارغان، احمد، معدنی، سعید و تاج‌الدین، محمدباقر (۱۳۹۷)، «آسیب‌پذیری‌های امنیتی عراق در حوزه سیاسی - اجتماعی»، فصلنامه آفاق امنیت، سال یازدهم، شماره چهارم، شماره ۳.
- سی نورث، داگلاس و دیگران (۱۳۹۵)، «سیاست، اقتصاد و مسائل توسعه در سایه خشونت»، ترجمه محسن میردامادی و محمد حسین نعیمی‌پور، تهران: انتشارات روزنه.
- سی نورث، داگلاس و دیگران (۱۳۹۶)، «خشونت و نظم‌های اجتماعی؛ چارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ ثبت‌شده بشر»، ترجمه جعفر خیرخواهان و رضا مجیدزاده، تهران: انتشارات روزنه.
- محمدی لرد، عبدالمحمود (۱۳۹۳)، «آینده پژوهی ثبات سیاسی ایران»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نجات‌پور، مجید (۱۳۹۴) «جریان‌های فکری - سیاسی و توسعه در دوره جمهوری اسلامی ایران»، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- الرأی (۲۰۰۵)، *اتفاق سعودی سوری علی-انسحاب القوات السورية من لبنان*:  
<https://alrai.com/article/92188>
- الشمري، محمد (۲۰۲۱)، *الصدر يطرح خطة لسحب 10 ملايين قطعة سلاح وحصرها بيد الدولة*:  
<https://www.aljazeera.net/news/politics/2021/10/17>
- المصري، شفيق (۲۰۰۶)، *اتفاق الطائف: عناوين الوحدة الوطنية والتحديث*:  
<https://www.lebarmy.gov.lb/ar/content>

- Acemoglu, Daron and James A. Robinson (2008), "*Path of Economic and Political Development*", from: Barry R. Weingast, Donald A. Wittman-The Oxford Handbook of Political Economy-Oxford University Press, USA, 673-692.
- Doucet, Lyse (2021), "*Afghanistan conflict: US makes new push for UN-led peace process*", available in: <https://www.bbc.com/news/world-asia-56316649>
- North, Douglass C. (2004), "*institutional Change and Economic Performance*", Cambridge University Press.
- North, Douglass C. (1991), "Institutions", *The Journal of Economic Perspectives*, Vol. 5, No. 1. Winter, pp. 97-112.
- North, Douglass C. (2007), "*Limited Access Orders in the Developing World: A New Approach to the Problem of Development*", The World Bank, Independent Evaluation Group, Country Relations Division, Policy Research Working Paper 4359, September.
- North, Douglass C. (2009), "Violence and the Rise of Open-Access Orders", From: *Journal of Democracy*, Volume 20, Number 1, January, pp55-68.
- Guardian (2019), "*Iraqi PM says he will resign after weeks of violent protests*", available in: <https://www.theguardian.com/world/2019/nov/29/iraq-pm-resign-protests-abdul-mahdi-al-sistani>
- Handler, Scott Paul (2010), "*Wolves in Sheep's Clothing: Understanding Modern State Building (And Counterinsurgency)*", A Dissertation Submitted to the Department of Political Science and the Committee on Graduate Studies of Stanford University in Partial Fulfilment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy, December.
- International Crisis Group (2009), "*Shiite Politics in Iraq: The Role of the Supreme Council*"
- Reuters (2020), "*Iraq names its third prime minister in 10 weeks*", available in: <https://www.reuters.com/article/topNews/idCAKCN21R18Z?edition-redirect=ca>
- The United States Institute of Peace (2020), "*Rival Afghan Leaders Agree to Share Power—Now Comes the Hard Part*", available in: <https://www.usip.org/publications/2020/05/rival-afghan-leaders-agree-share-power-now-comes-hard-part>